

بررسی تأثیر متغیرهای اجتماعی سن، تحصیلات و جنسیت بر فرایند قلب واجی بر اساس زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا: مطالعه موردی "chokla" «چوب» در کردی هورامی

نادیا صفیعی^۱؛ ابراهیم بدخشان (نویسنده مسئول)^۲؛ مسعود دهقان^۳

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۰۸ اسفند ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۲۲ تیر ۱۴۰۲؛ صص. ۱۷-۲۶

DOI: <https://doi.org/10.22034/jokl.2023.62767>

چکیده

در پژوهش کمی حاضر، تأثیر سه متغیر جنسیت، سطح تحصیلات و سن بر یک تنوع‌واجی (فرایند قلب واجی در واژه [ʃoklæ]) در کردی هورامی گویش پاوه در یک گروه ۶۰ نفره (۳۰ مرد و ۳۰ زن) در چهار رده سنی بر اساس زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا بررسی گردید. روش اجرا بدین صورت بود که داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه با گروه اصلی، با داده‌های گردآوری شده از گروه معیار که شامل تعدادی از زنان و مردان بی‌سواد بالای ۶۰ سال بود، مقایسه گردید و در نهایت فرایند قلب واجی در واژه [ʃoklæ] که دارای بیشترین میزان تفاوت در بین گروه معیار و گروه اصلی بود برای بررسی انتخاب شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که متغیرهای سن و جنسیت با تنوع‌واجی مورد بررسی، ارتباط معناداری دارند، و چون میزان معنادار بودن رابطه سطح تحصیلات با میزان وقوع فرایند قلب واجی در واژه معیار [ʃoklæ] بیشتر از ۰/۵ ($\alpha=0.683$) است، بنابراین بین سطح تحصیلات و قلب واجی در واژه [ʃoklæ] ارتباط معناداری وجود ندارد. همچنین، نتایج نشان داد که میزان تأثیر جنسیت بر فرایند قلب واجی در واژه معیار [ʃoklæ] بیش از سن است.

واژگان کلیدی: زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا؛ فرایند واجی؛ قلب؛ کردی هورامی.

کورتیه

لهم لیکولینه‌وه چه‌ندایه‌تیه‌دا، کاریگه‌ری سنی بگۆری ره‌گه‌ز، ناستی خوینده‌واری و تمه‌من له سه‌ر فره‌چه‌شنیی واجی (ره‌وتی جینگۆرکیی واجی له وشه‌ی [ʃoklæ]) له کوردیی هه‌ورامیی شیوه‌زاری پاوه له گروپیکی ۶۰ که‌سی (۳۰ پیاو و ۳۰ ژن) له چوار ریژدی ته‌مه‌نی‌دا به‌پیی زمانناسیی کۆمه‌لایه‌تی فره‌چه‌شن‌خواز لیک‌درایه‌وه. شیوه‌ی نه‌نجام‌دان به‌م جۆره‌ بوو که ده‌یتاگه‌لی کۆکراوه له ریگه‌ی وتووژ له گه‌ل گروویی سه‌ره‌کییه‌وه، له گه‌ل ده‌یتاگه‌لی کۆکراوه له گروویی پیوه‌ر که بریتی بوو له ژمارنیک ژنان و پیاوانی نه‌خوینده‌واری ژوور ۶۰ سال، به‌راورد کرا و له کۆتاییدا ره‌وتی جینگۆرکیی واجی له وشه‌ی [ʃoklæ] که خاوه‌ن زۆرتیرین راده‌ی جیاوازی له‌نیوان گروویی پیوه‌ر و گروویی سه‌ره‌کی بوو، بو لیک‌دانه‌وه هه‌لبژێردرا. ده‌ستکه‌وته‌کانی لیکولینه‌وه که ده‌ری‌خست که بگۆرگه‌لی تمه‌من و ره‌گه‌ز له گه‌ل فره‌چه‌شنیی واجی به‌راسدا، پیوه‌ندی واتاداریان هه‌یه و به‌هۆی نه‌ه‌ی که راده‌ی واتادارلپوونی پیوه‌ندی ناستی خوینده‌واری له گه‌ل راده‌ی روودانی ره‌وتی جینگۆرکیی واجی له وشه‌ی پیوه‌ری [ʃoklæ] زۆرتیر له ۰/۵ ($a=0.683$)، به‌م پییه له نیوان راده‌ی خوینده‌واری و جینگۆرکیی واجی له وشه‌ی [ʃoklæ] پیوه‌ندی‌ه‌کی واتادار نییه. هه‌روه‌ها، نه‌نجامه‌کان ده‌ریان‌خست که راده‌ی کاریگه‌ری ره‌گه‌ز له سه‌ر ره‌وتی جینگۆرکیی واجی له وشه‌ی پیوه‌ری [ʃoklæ] زۆرتیر له تمه‌من.

وشه‌گه‌لی سه‌ره‌کی: زمانناسیی کۆمه‌لایه‌تی فره‌چه‌شن‌خواز؛ ره‌وتی واجی؛ جینگۆرکی؛ کوردیی هه‌ورامی.

۱- مقدمه

زبان‌های ایرانی نو که از قرن هشتم یا نهم میلادی تاکنون رواج داشته‌اند در منطقه جغرافیایی وسیعی گسترش یافته‌اند که از سوریه و عراق در غرب آغاز می‌شود و تا آسیای میانه و قفقاز در شمال، افغانستان و پاکستان و چین در شرق و مناطقی در کشورهای حاشیه خلیج فارس و جزیره‌های تنگه هرمز در جنوب را شامل می‌شود (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۹۵-۹۶). این زبان‌ها به سه گروه زبان‌های غربی جنوبی، زبان‌های غربی شمالی و زبان‌های ایرانی شرقی تقسیم

۱. ayla_safice@yahoo.com

۲. ebadakhshan@uok.ac.ir

۳. m.dehghan@uok.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه آموزش زبان و زبان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، کردستان، ایران

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، کردستان، ایران

می‌شوند و براین اساس زبان هورامی^۱ به شاخه زبان گورانی از گروه زبان‌های غربی شمالی زبان‌های ایرانی تعلق دارد (همان: ۷۹۴). با توجه به پویایی و سیال بودن پدیده زبان، پیدایش گونه‌های مختلف در هر زبان امری طبیعی است. گونه‌ای از زبان کردی هورامی که در این پژوهش بررسی می‌گردد گویش شهر پاوه، واقع در استان کرمانشاه است که در ۱۱۲ کیلومتری مرکز استان قرار دارد و از این پس برای سهولت در اشاره با نام هورامی پاوه بدان اشاره خواهد شد. در این زبان نیز همانند سایر زبان‌ها، گوناگونی را می‌توان در تمامی سطوح زبان از جمله سطح آوایی و واجی مشاهده نمود. این گوناگونی‌ها تحت تأثیر دو عامل فردی و اجتماعی قرار دارند. برای بررسی تأثیر عامل اجتماعی بر این فرایندهای آوایی از ترکیب آواشناسی و جامعه‌شناسی، آواشناسی اجتماعی^۲ متولد گردید که به عقیده بارونسکی^۳ (۲۰۱۳: ۴۰۳) به بررسی استفاده از روش‌های مدرن موجود در آواشناسی به هدف ارائه تحلیل‌های کمی از تنوعات و تغییرات موجود در زبان می‌پردازد.

هی^۴ و درگر^۵ (۲۰۰۷) مطالعات انجام‌شده در حوزه آواشناسی اجتماعی را به سه دسته تقسیم نموده‌اند: دسته اول پژوهش‌های هستند که اطلاعات آوایی گفتار گویشوران را با استفاده از نرم‌افزارها و دستگاه‌های مختلفی همچون پرت^۶ بررسی می‌نمایند. دسته دوم رویکرد قوم‌نگارانه^۷ دارند و گوناگونی‌های آوایی موجود در گفتار گویشوران را از لحاظ اجتماعی بررسی می‌کنند. گروه سوم نیز مطالعاتی هستند که با بهره‌گرفتن از روش‌های تجربی، عوامل اجتماعی مورد استفاده افراد در فرایند درک گفتار را بررسی و تحلیل می‌نمایند. در هر سه گروه از این پژوهش‌ها داده‌های گردآوری شده بیشتر اوقات صداهای ضبط‌شده هستند که بدون استفاده از ابزارهای خاصی فقط از نظر شنیداری تجزیه و تحلیل شده‌اند. از جمله این تحقیقات می‌توان به پژوهش‌های لباو^۸ (۱۹۶۳، ۱۹۶۶، ۱۹۷۲) اشاره نمود که راه را برای انجام پژوهش‌هایی از این نوع باز نمود و به نحوی می‌توان آن را نقشه راهی برای انجام پژوهش‌های مربوط به بررسی گوناگونی‌های آوایی موجود در گفتار گویشوران یک گونه خاص دانست. نتایج حاصل از بررسی‌های لباو نشان داد که میان این گوناگونی‌های آوایی و عوامل اجتماعی مانند سن، تحصیلات و جنسیت ارتباط وجود دارد. پس از مطالعات لباو پژوهشگران دیگری نیز رابطه بین گوناگونی‌های آوایی عوامل اجتماعی را بررسی نمودند که نتایج بررسی‌های آن‌ها نشان داد که متغیرهایی مانند طبقه اجتماعی (دوچرتی^۹ و فوکس^{۱۰}، ۲۰۰۷)، سن (هارینگتون^{۱۱}، پالتروپ^{۱۲} و واتسن^{۱۳}، ۲۰۰۷) و تحصیلات (الویر^{۱۴}، ۲۰۰۲) بر گوناگونی‌های آوایی تأثیر دارند.

¹Hawrami

²sociophonetics

³M. Baranowski

⁴J. Hay

⁵K. Drager

⁶praat

⁷ethnographic

⁸W. Labov

⁹Docherty

¹⁰Foulkes

¹¹Harrington

¹²Palethorpe

¹³Watson

¹⁴Al-Wer

تنوعات آوایی در کشورهایی که تنوعات زبانی زیادی دارند نیز دیده می‌شود. ایران به عنوان کشوری که تنوعات زبانی فراوانی دارد، تنوعات آوایی و واجی فراوانی نیز در آن به چشم می‌خورد. زبان کردی نیز به عنوان یکی از زبان‌ها از سه گویش جنوبی، مرکزی و شمالی برخوردار است که یکی از گونه‌های مرکزی آن، هورامی است که این گونه زبانی نیز دارای گویش‌های مختلفی است که یکی از این گویش‌ها گویش پاوه است. یکی از فرایندهای واجی موجود در این گویش فرایند قلب واجی است. از آنجایی که تا کنون فرایند قلب واجی در هورامی پاوه مورد بررسی قرار نگرفته است، بنابراین برای ارائه یک توصیف جامع از این فرایند، استفاده از ترکیبی از رویکردهای پژوهشی تنوع‌گرا و به‌کارگیری عوامل اجتماعی در مقایسه بزرگ^{۱۵} در کنار تنوعات فردی گویشوران ضروری است.

شایان ذکر است که نوشتار پیش‌رو با هدف بهره‌گیری از چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا در پی پاسخگویی به این دو پرسش است که اولاً آیا متغیرهای اجتماعی سن، جنسیت و سطح تحصیلات بر میزان وقوع فرایند قلب واجی در هورامی پاوه تأثیرگذار هستند؟ ثانیاً کدام یک از این متغیرهای اجتماعی بیشترین و کدام یک کمترین تأثیر را بر فرایند قلب واجی دارند؟

در این پژوهش فرض بر این گرفته شده است که هر سه متغیر اجتماعی سن، جنسیت و سطح تحصیلات بر میزان استفاده از قلب واجی در گفتار گویشوران تأثیر دارند، به طوری که بیشترین تأثیر مربوط به سطح تحصیلات و کمترین تأثیر مربوط به جنسیت است.

۲- پیشینه پژوهش و مطالعات مرتبط

همان‌گونه که ذکر شد، نگارندگان با بررسی‌هایی که انجام دادند دریافتند که تا کنون در هورامی پاوه این موضوع بررسی نشده است، اما در ایران با توجه به تنوعات زبانی تحقیقات زیادی به بررسی رابطه متقابل فرایند واجی قلب و عوامل اجتماعی به‌ویژه در زبان فارسی پرداخته‌اند که در ادامه به معرفی آن‌ها خواهیم پرداخت. احمدخانی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی جابجایی واجی در زبان ایرانی میانه و ایرانی جدید، از دیدگاه هم‌زمانی تاریخی و نظریه بهینگی» به معرفی جابجایی واجی به مثابه فرایندی که در آن ترتیب واج‌ها معکوس می‌شود و ماهیت این فرایند از دیدگاه‌های مختلف پرداخته است. وی قلب واجی را از نگاه در زمانی و هم‌زمانی در زبان فارسی معاصر و پهلوی (ایرانی میانه) بررسی نموده است. نتایج پژوهش وی نشان داده است که در زبان فارسی این فرایند با هدف محدودیت عدم آغازه هجا، رعایت اصل توالی رسایی و نیز قانون برخورد هجایی انجام می‌پذیرد. استاجی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل فرایند واجی قلب در زبان فارسی» به بررسی فرایند قلب واجی در فارسی پرداخته و نشان داده است که قلب فرایند نظام‌مندی نیست، اگرچه در زبان‌های دیگری به عنوان یک فرایند نظام‌مند و قاعده‌مند در نظر گرفته می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که فرایند قلب در دوره میانه پس از حذف مصوت‌های پایانی غالباً منظم عمل می‌کند و با تغییر ترتیب واج‌ها، اصل توزیع و توالی رسایی را عامل این فرایند می‌داند. کامبوزیا و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «قلب آوایی در زبان فارسی و برخی از گویش‌های ایرانی» حدود ۲۰۰۰ واژه از فارسی معیار و گویش‌های مختلف آن را بررسی نمودند و در نهایت تعداد ۶۰ واژه را به دست آوردند که در آن‌ها قلب واجی در بین دو واج مجاور صورت گرفته بود. احمدخانی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «واج‌شناسی اجتماعی: بررسی موردی قلب واجی در زبان فارسی» به بررسی موردی قلب واجی در زبان فارسی و رابطه آن با عوامل اجتماعی سن و سطح تحصیلات پرداختند. یافته‌های آنان نشان داد که با افزایش سن و سطح تحصیلات قلب واجی

¹⁵Large- scale social factors

کاهش می‌یابد. پژوهش‌گران خارجی بسیاری نیز به بررسی تأثیر متغیرهای اجتماعی بر فرایند قلب واجی در زبان‌های مختلف پرداخته‌اند^{۱۶} که از آن جمله می‌توان به هیوم^{۱۷} (۲۰۰۷)، چاپلیسکی^{۱۸} و بارتلومی^{۱۹} (۲۰۱۳)، کروهرست^{۲۰} و ترچر^{۲۱} (۲۰۱۴) و ادواردز^{۲۲} (۲۰۱۷) اشاره نمود.

۳- زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا^{۲۳}

ظهور زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا پیش از هر چیز مرهون پژوهش‌های لباو (۱۹۶۳) است. پژوهش‌های مشهور لباو در سال ۱۹۶۳ که با عنوان «Martha's vineyard» شناخته می‌شود منجر به علاقمند شدن او به کاربرد واقعی زبان^{۲۴} و تنوعات آن در بین گروه‌های مختلف شد. حاصل این علاقمندی، انجام مجموعه‌ای از پژوهش‌ها توسط لباو بود که هدف آن‌ها نشان‌دادن غیرتصادفی بودن تنوعات زبانی و نیز نشان‌دادن چگونگی وقوع این تنوعات بود (تالیامونته، ۲۰۰۸: ۳۰). انسان‌ها روزانه از یک نظام پیچیده و دارای ساختار به نام زبان برای برقراری ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند و این نظام هم‌زمان در حال رشد و نمو است. پرسش بنیادی زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا این است که این رشد و نمو چگونه اتفاق می‌افتد؟ (همان، ۲). پاسخ واینریخ^{۲۵}، لباو و هرزوک^{۲۶} (۱۰۰-۱۰۱: ۱۹۶۸) به این سؤال وجود «تنوعات زبانی» بود. یافتن تنوعات زبانی در زبان روزمره کار نسبتاً ساده‌ای است؛ ولی آنچه که بخش مشکل‌تر ماجرا را شکل می‌دهد، یافتن وجود نظم یا نظامی موجود در این تنوعات است (تالیامونته، ۲۰۰۸: ۲). راه‌حل زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا برای این بخش استفاده از متغیر زبانی است. به عقیده لباو (۱۹۷۲: ۸) متغیر زبانی یعنی دو یا بیش از دو روش برای گفتن یک چیز که وقوع آن تصادفی نیست، بلکه نظام‌مند است. یافتن و تحلیل متغیرهای زبانی موجود در این جوامع زبانی نامتجانس بر این فرض استوار است که هرزمانی که یک انتخاب در بین دو یا بیش از دو کنش زبانی وجود دارد و آن انتخاب تحت تأثیر یک یا چند عامل اتفاق می‌افتد، در آن صورت به‌کار گرفتن ابزارها و روش‌های آماری برای توضیح این ارتباط مجاز است (سکاف^{۲۷}، ۱۹۸۸: ۲). به‌عبارت ساده‌تر، زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا دارای ماهیتی چندوجهی است. از یک سو داده‌محور^{۲۸} و تجربی^{۲۹} است و از سوی دیگر از روش‌های علمی و آزمون‌های آماری استفاده می‌کند و جنبه دیگرش نیز این است که الگوهای زبانی را فقط از طریق تفسیر می‌توان درک کرد. به عبارت بهتر، توضیح دادن در زبان‌شناسی اجتماعی فقط زمانی امکان‌پذیر است که از آمار در ارتباط با مؤلفه‌های تفسیری قوی برای زبان مورد استفاده در محیط اجتماعی واقعی استفاده شود (تالیامونته، ۲۰۰۸: ۸). بنابراین، اولین وظیفه تجربی زبان‌شناس اجتماعی تنوع‌گرا ربط دادن یک تنوع زبانی به عنوان متغیر مستقل

^{۱۶} با توجه به زیاد بودن تعداد محققان خارجی که به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر فرایند قلب واجی پرداخته‌اند، در اینجا صرفاً به معرفی این پژوهش‌ها بسنده شده است و از بیان توضیح و یافته‌های آن‌ها صرف‌نظر شده است.

^{۱۷}E. Hume

^{۱۸}R. Czaplicki

^{۱۹}R. Bartłomiej

^{۲۰}M. Crowhurst

^{۲۱}S. Trechter

^{۲۲}O. Edwards

^{۲۳}varatinist sociolinguistics

^{۲۴}actual language use

^{۲۵}Weinreich

^{۲۶}Herzog

^{۲۷}Sankoff

^{۲۸}Data-based

^{۲۹}emperical

به متغیر یا متغیرهای وابسته است که معمولاً ماهیت اجتماعی دارند (همان). پس از یافتن متغیرهای زبانی وظیفه دیگر زبان‌شناسی اجتماعی، یعنی جستجو برای یافتن اصول عمومی^{۳۰} که کنترل تغییر زبان‌شناختی^{۳۱} را برعهده دارند، آغاز می‌گردد. پس از تعیین متغیر و جستجو برای یافتن اصول عمومی نوبت به انجام تحلیل می‌رسد. این تحلیل باید جامع باشد که ناظر بر یکی از مفاهیم اساسی زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا و یکی از اساسی‌ترین وجوه تمایز این رویکرد با سایر نظریه‌ها یعنی «اصل جامع بودن»^{۳۲} است که توسط لباو (۱۹۶۶: ۴۹) مطرح گردید. بر اساس این اصل اگر به عنوان مثال پژوهشگر در مورد استفاده از ضمیر موصولی «who» تحقیق می‌کند باید علاوه بر بررسی خود ضمیر «who» تمامی گونه‌های بالقوه دیگر نظام ضمائر موصولی را نیز در بررسی خود منظور نماید. اما نکته مهم دیگری که این اصل بر آن تأکید دارد محدود نمودن داده‌ها به بافت‌هایی است که از نظر کارکردی^{۳۳} همسو با متغیر مورد بررسی باشد. به عبارت دیگر، اصل جامعیت اذعان می‌کند که مطالعات مبتنی بر زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا باید از دو جهت داده‌ها را بررسی نماید: (۱) نحوه توزیع صورت‌های مختلف و (۲) شناخت کارکرد زبان‌شناختی هر صورت (سینکاف، ۱۹۸۸: ۱۴۹). در تقابل نامتقارن صورت- کارکرد زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا از یک روش توصیفی-تحلیلی استفاده می‌کند، بدین صورت که بافت‌هایی را که فاقد تنوع هستند، اما از نظر مقوله‌ای^{۳۴} در یک یا بیش از یک نوع از تنوعات قرار می‌گیرد، در تحلیل خود نمی‌گنجانند. وجود مراحل فوق در مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا نشان دهنده این است که این مطالعات، علاقه‌ای به وقوع منفرد ویژگی‌های زبانی ندارد بلکه، نیازمند مطالعه نظام‌مند انتخاب‌های تکراری^{۳۵} است که فرد انجام می‌دهد (پاپلک^{۳۶} و تالیامونته، ۲۰۰۱: ۸۹). تحلیل این انتخاب‌های تکراری یافتن الگوهای را که منجر به انتخاب یک گونه و ارجحیت آن بر دیگری می‌شود برای تحلیل‌گر امکان‌پذیر می‌سازد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

ماهیت روش‌شناختی این پژوهش کمی، به صورت مقایسه‌ای بوده است. گردآوری داده‌ها طی دو مرحله و در قالب مصاحبه و ضبط گفتار آزاد انجام شده است. در مرحله اول داده‌های زبانی راهنما به منظور تعیین متغیرهای زبانی گردآوری شدند. بدین منظور گفتار تعدادی از افراد بی‌سواد دارای سن بالای ۶۰ سال ضبط و پیاده‌سازی گردید تا به عنوان زبان معیار مورد استفاده قرار گیرد، برای گردآوری این اطلاعات نگارنده خود شخصاً در محل اقامت گویشوران حاضر شد و با آنان مصاحبه نمود. در مرحله دوم، داده‌های زبانی اصلی از میان گویشوران دارای سن و جنسیت متفاوت با هدف مقایسه با داده‌های زبان معیار گردآوری شدند. نمونه‌های انتخاب‌شده تعداد ۶۰ گویشور از هردو جنس با تحصیلات و شغل متفاوت بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری قضاوتی^{۳۷} از بین افراد هورامی زبان اهل و ساکن شهر پاوه انتخاب شدند. دلیل استفاده از این روش نمونه‌گیری، وجود سایر گویش‌های هورامی در شهر پاوه به دلیل مهاجرپذیری منطقه و تمرکز این پژوهش بر یکی از انواع این گویش‌ها (گویش پاوه) بوده است. افراد حاضر در پژوهش شامل ۳۰ زن و ۳۰ مرد بودند که در ۴ رده سنی ۱۸ تا ۲۹ سال، ۳۰ تا ۳۹ سال، ۴۰ تا ۴۹ و

³⁰General principals

³¹Linguistic change

³²Principal of accountability

³³functional

³⁴categorical

³⁵recurrent

³⁶Poplack

³⁷Judgmental sampling

۵۰ تا ۵۹ سال و چهار سطح تحصیلی سیکل، دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد قرار داشتند. در هریک از این گروه‌های سنی بین ۳ تا ۹ نفر از هریک از دو جنس حضور داشتند. به منظور تکرار متغیرها در گفتار تمام گویشوران گروه آزمودنی‌ها پرسش‌های مشابهی مانند توصیف فصل‌ها، مراسم خاص (عروسی، عزاداری، عیدهای ملی و مذهبی و...) بازی‌ها، غذاها و خاطرات خود، از آن‌ها پرسیده شد. در نهایت، داده‌های گردآوری شده از گروه معیار و گروه آزمودنی با هم مقایسه شدند و تفاوت‌هایی که در آن‌ها دارای بیشترین فراوانی بودند مشخص گردید. سپس فراوانی این تفاوت‌ها برحسب متغیرهای سن، جنسیت و سطح تحصیلات استخراج گردیده و در پایان نیز معنی‌دار بودن یا نبودن رابطه بین این متغیرهای اجتماعی با تفاوت‌های زبانی مشخص شده، با استفاده از آزمون‌های فی، خی دو و شاخص پیوستگی وی کرامرز مشخص شد. یکی از تفاوت‌های دارای بیشترین فراوانی فرایند قلب میان توالی دو هم‌خوان گرفته بود که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵- بررسی فرایند قلب واجی در هورامی

فرایند قلب، فرایندی است که در طی آن ترتیب زنجیره واحدهای آوایی تغییر می‌کند. این فرایند اغلب به تولید زنجیره‌هایی از آواها می‌انجامد که تلفظ آن‌ها ساده‌تر است. بررسی داده‌های گردآوری شده از دو گروه معیار و آزمودنی نشان داد که در بیان برخی از کلمات در گفتار گویشوران فرایند قلب رخ داده است. برای تحلیل این موضوع کلمه‌ای که دارای بیشترین فراوانی تفاوت در تلفظ در میان گروه معیار و گروه آزمودنی بود برای بررسی انتخاب گردید. بر اساس داده‌های گردآوری شده از گروه معیار، معادل کلمه «تکه چوب خشک» در هورامی پاره در مثال (۱-۴) ارائه شده است:

1. [tʃoklæ]

تکه چوب خشک و باریک

بررسی داده‌های گردآوری شده از گروه آزمودنی نشان می‌دهد که در گفتار برخی از گویشوران، فرایند «قلب میان دو هم‌خوان گرفته» رخ داده و معادل هورامی کلمه «تکه چوب خشک» به صورت مثال (۲-۴) شنیده می‌شود:

2. [tʃolkæ]

تکه چوب خشک

جدول (۱) فراوانی استفاده از واژه اصلی و واژه مقلوب را در گفتار گویشوران گروه آزمودنی نشان می‌دهد:

جدول (۱) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب استفاده از واژه اصلی یا مقلوب		
درصد	فراوانی	واژه
۵۳٪	۳۲	[tʃoklæ]
۴۷٪	۲۸	[tʃolkæ]
۱۰۰٪	۶۰	مجموع

بررسی داده‌های به دست آمده از گروه آزمودنی نشان می‌دهد که میزان استفاده از [tʃoklæ] به جای [tʃolkæ] در بین مردان شایع‌تر از زنان است. همان‌گونه که جدول (۲) نشان می‌دهد ۵۳/۳ درصد مردان از [tʃoklæ] به جای [tʃolkæ] استفاده می‌کنند، در حالی که این نسبت در زنان تقریباً ۴۶/۷ درصد است. زیرا زنان همواره تلاش دارند تا صورت معیار گونه‌های زبانی مختلف را تلفظ کنند.

جدول (۲) توزیع پاسخگویان بر اساس استفاده از [tfokla] و [tfolka] به تفکیک جنسیت

مردان		زنان		واژه‌ها
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
٪۴۶/۷	۱۴	٪۶۰	۱۸	[tfoklæ]
٪۵۳/۳	۱۶	٪۳۰	۱۲	[tfolkæ]
۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۳۰	مجموع

به منظور بررسی دقیق‌تر رابطه بین استفاده از [tfoklæ] و [tfolkæ] و متغیر جنسیت از آزمون خی دو و شاخص پیوستگی فی استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره (۳) ارائه شده است. براساس نتایج به دست آمده، شدت پیوستگی بین جنسیت و استفاده از واژه مقلوب [tfolkæ] بسیار قوی (۰/۱۳۴) بوده و با توجه به مقدار خی دو و سطح معناداری مربوطه (۰/۳۰۱) به لحاظ آماری معنادار است. به عبارتی، توزیع تقاطعی دو متغیر مورد بررسی، مستقل از هم نیست.

جدول (۳) نتایج آزمون خی دو برای بررسی رابطه استفاده از [tfolkæ] و [tfolka] با جنسیت

شاخص فی	Sig	درجه آزادی	مقدار خی دو	نتایج
۰/۱۳۴	۰/۳۰۱	۱	۱/۰۷۱	

جدول (۴) نیز میزان استفاده از واژه‌های [tfolkæ] و [tfolka] را براساس متغیر سن در بین پاسخگویان گروه آزمودنی نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های موجود در این جدول، با افزایش سن میزان استفاده از واژه مقلوب [tfolkæ] کاهش می‌یابد، به طوری که بیشترین میزان استفاده از این واژه مقلوب در گروه سنی هیجده تا بیست و نه سال دیده می‌شود و کمترین میزان استفاده نیز در گروه سنی ۵۰ تا ۵۹ سال است.

جدول (۴) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس استفاده از [tfolka] و [tfolka] به تفکیک گروه‌های سنی

سال ۵۹-۵۰		سال ۴۹-۴۰		سال ۳۹-۳۰		سال ۲۹-۱۸		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۶۱/۵	۸	۵۷/۱	۸	۴۵/۵	۵	۳۶/۳	۸	[tfoklæ]
۳۹/۵	۵	۴۲/۹	۶	۵۴/۵	۶	۶۴/۷	۱۴	[tfolka]
۱۰۰	۱۳	۱۰۰	۱۴	۱۰۰	۱۱	۱۰۰	۲۲	مجموع

برای بررسی دقیق‌تر رابطه بین میزان استفاده از واژه مقلوب [tfolka] و متغیر غیرزبانی سن از آزمون خی دو و شاخص پیوستگی وی کرامرز استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵) نتایج آزمون خی دو برای بررسی رابطه استفاده از [tfolkæ] و [tfolka] با متغیر سن

شاخص وی کرامرز	Sig	درجه آزادی	مقدار خی دو	نتایج
۰/۲۱۰	۰/۴۵	۳	۲.۶۴۲	

بررسی نتایج به دست آمده در جدول (۵) نشان می‌دهد که شدت پیوستگی بین گروه‌های سنی و استفاده از واژه مقلوب [tfolkæ] قوی (۰/۲۱) بوده و با توجه به مقدار خی دو و سطح معناداری مربوطه (۰/۴۵) به لحاظ آماری معنادار است. به عبارتی، توزیع تقاطعی دو متغیر مورد بررسی در نهایت مستقل از هم نیست.

داده‌های به دست آمده از گروه آزمودنی نشان می‌دهد که میزان استفاده از واژه مقلوب $[tfolkæ]$ به جای واژه معیار $[tfoklæ]$ در بین افراد دارای سطح تحصیلات بالاتر بیشتر است، هرچند که این میزان افزایش پیوسته نیست. همان‌گونه که جدول (۶) نشان می‌دهد میزان استفاده از واژه مقلوب $[tfolkæ]$ در افراد دارای مدرک کارشناسی بیشتر از سایر گروه‌ها است. پس از این گروه، افراد دارای مدرک دیپلم قرار دارند و افراد دارای مدرک کارشناسی ارشد در جایگاه سوم قرار می‌گیرند؛ در حالی که این نسبت در افراد دارای مدرک تحصیلی سیکل به کمترین میزان خود، یعنی (۴۲/۹ درصد) می‌رسد. برای بررسی دقیق‌تر رابطه بین میزان استفاده از واژه مقلوب $[tfolkæ]$ و متغیر غیرزبانی سطح تحصیلات از آزمون خی دو و شاخص پیوستگی وی کرامرز استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول (۶) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس استفاده از $[tfolkæ]$ و $[tfoklæ]$ به تفکیک سطح تحصیلات

کارشناسی ارشد		کارشناسی		دیپلم		سیکل		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴۶/۲	۶	۳۵/۳	۶	۴۳/۷	۷	۵۷/۱	۸	$[tfoklæ]$
۵۳/۸	۷	۶۴/۷	۱۱	۵۶/۳	۹	۴۲/۹	۶	$[tfolkæ]$
۱۰۰	۱۳	۱۰۰	۱۷	۱۰۰	۱۶	۱۰۰	۱۴	مجموع

جدول (۷) نتایج آزمون خی دو برای بررسی رابطه استفاده از $[tfolkæ]$ و $[tfoklæ]$ با متغیر سطح تحصیلات

شاخص وی کرامرز	Sig	درجه آزادی	مقدار خی دو	نتایج
۰/۱۵۸	۰/۶۸۳	۳	۱.۴۹۸	

بررسی نتایج به دست آمده در جدول (۷) نشان می‌دهد که شدت پیوستگی بین گروه‌های سنی و استفاده از واژه مقلوب $[tfolkæ]$ (۰/۱۵۸) بوده و با توجه به مقدار خی دو و سطح معناداری مربوطه (۰/۶۸۳) به لحاظ آماری معنی دار نیست. به عبارت دیگر توزیع تقاطعی دو متغیر مورد بررسی در نهایت مستقل از هم است.

۶- نتیجه گیری

این پژوهش به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی سن، جنسیت و سطح تحصیلات بر فرایند واجی قلب در هورامی پاره پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین متغیرهای سن و جنسیت با میزان وقوع فرایند قلب واجی در واژه معیار $[tfoklæ]$ ارتباط معناداری وجود دارد و با توجه به این که سطح معناداری این ارتباط برای جنسیت ۰/۳۰۱ و برای سن ۰/۴۵۰ است از این رو، می‌توان گفت که میزان تأثیر جنسیت بر فرایند قلب واجی در واژه معیار $[tfoklæ]$ بیش از سن است. از طرف دیگر چون میزان معنادار بودن رابطه سطح تحصیلات با میزان وقوع فرایند قلب واجی در واژه معیار $[tfoklæ]$ بیشتر از ۰/۵ ($\alpha=0.683$) است. بنابراین، بین سطح تحصیلات و میزان استفاده از واژه مقلوب $[tfolkæ]$ رابطه معناداری وجود ندارد. یافته‌های این پژوهش نیز همانند سایر پژوهش‌های انجام شده در مورد زبان‌ها یا گویش‌های ایرانی دیگر که به نمونه‌هایی از آن‌ها در بخش پیشینه پژوهش اشاره گردید، نشان داد که فرایندهای زبانی و در این مورد مشخص فرایند قلب واجی تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می‌گیرند، اما میزان این تأثیر متفاوت است. همچنین، بررسی تأثیر سایر عوامل اجتماعی مانند سطح درآمد، طبقه اجتماعی، شغل و غیره می‌تواند ما را به دیدگاه کلی‌تری در مورد نوع و نحوه تأثیر عوامل اجتماعی بر زبان برساند.

منابع

فارسی:

- احمدخانی، محمدرضا (۱۳۸۷). «بررسی جابجایی واجی در زبان ایرانی میانه و ایرانی جدید، از دیدگاه هم‌زمانی تاریخی و نظریهٔ بهینگی». *ادبیات زبانی و اسطوره‌شناسی* (۱۲): ۲۲-۳۸
- احمدخانی، محمدرضا، عالیه کرد زعفرانلو و لیلا حاجی حسنلو (۱۳۹۵). «واج‌شناسی اجتماعی: بررسی موردی قلب واجی در زبان فارسی». *جستارهای زبانی*، ۴(۷): ۳۷-۲۱
- استاجی، اعظم (۱۳۹۰). «تحلیل فرایند واجی قلب در زبان فارسی». *زبان و زبان‌شناسی*، ۱۳: ۱۲۹-۱۴۶
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. جلد دوم. تهران: سمت.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه، فرزانه تاج‌آبادی و بهروز محمودی بختیاری (۱۳۹۱). «قلب آوایی در زبان فارسی و برخی از گویش‌های ایرانی». *ادب و زبان دانشگاه شهید باهنر کرمان*، ۱۵(۲۲).

English:

- Al-Wer, E. (2002). Education as a speaker variable. In A. Rouchdy (Ed.), *Language contact and language conflict phenomena in Arabic*. New York: Routledge Curzon.
- Ahmadkhani, M.R. (2008). A study of phonological metathesis in middle Iranian and modern Iranian from the point of view of synchronic, diachronic and optimality. *Mystic literature and mythology*, No. 12 [In Persian].
- Ahmadkhani, M.R., Kord Zafarnloo Kamboziya, A. and Haji Hassanlu, L. (2017). Social Phonology: case study of phonological metathesis in Persian. *Language researches*, 4(7): 21-37. [In Persian].
- Baranowski, M. (2013). Sociophonetics. In R. Bayley, R. Cameron, & C. Lucas (Eds.), *The Oxford handbook of sociolinguistics* (pp. 403- 424). Oxford: Oxford University Press.
- Crowhurst, M & Trechter, S. (2014). Vowel-rhotic metathesis in Guarayu, *International Journal of American Linguistics* 80, 127-173.
- Czaplicki, R. & Bartłomiej, R. (2013). *metathesis in English. An account based on perception and frequency of use*, *Lingua* 137, 172-192.
- Dabir Moghaddam, M. (2015). *Typology of Iranian languages*. Tehran: Samt. [In Persian] .
- Docherty, G. J., & Foulkes, P. (2005). Glottal variants of (t) in the Tyneside variety of English: An acoustic profiling study. In W. J. Hardcastle & J. Mackenzi Beck (Eds.), *A figure of speech—A Festschrift for John Laver* (pp. 173-199). London, UK: Lawrence Erlbaum.
- Edwards, O. (2017). *Epenthetic and contrastive glottal stops in Amarasi*. *Oceanic Linguistics*, 56, 415-434.
- Estaji, A. (2011). *Analysis of the process of phonological metathesis in Persian*. *Language and linguistics*. Pp. 130-146 [In Persian].
- Harrington, J., Palethorpe, S., & Watson, C. (2007). Age-related changes in fundamental frequency and formants: A longitudinal study of four speakers. *Proceedings of the 8th Annual Conference of the International Speech Communication Association*. Antwerp: International Speech Communication Association.
- Hay, J., & Drager, K. (2007). Sociophonetics. *Annual Review of Anthropology*, 36, 89-103.

- Hume, B. (2007) *The Interaction of Internal and External Factors in Metathesis and Deletion*. Oxford: Oxford university press.
- Kord Zafarnloo Kamboziya, A. (2012). Phonetic metathesis in Persian and some other Iranian dialects. *Politeness and Language*, Shahid Bahonar University Journal. No. 23 [In Persian].
- Labov, W. (1966). *The Social Stratification of English in New York City*. Washington, DC: Center for Applied Linguistics.
- Labov, W. (1972 b). *Sociolinguistic Patterns*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Labov, W. (1963). The social motivation of a sound change. *Word*, 19, 273–309.
- Labov, W. (1966). *The social stratification of English in New York City* (1st Ed.). Washington DC: Center for Applied Linguistics.
- Poplack, Sh and Tagliamonte, S. (2001). African American English in the Diaspora. In the series *Language in Society* 30. Oxford: Blackwell.
- Sankoff, D. (1988a). *Sociolinguistics and syntactic variation*. By F.J. Newmeyer. Cambridge: Cambridge University Press.
- Tagliamonte, Sali A. (2008). *Variationist Sociolinguistics: Change, Observation, Interpretation*. Wiley-Blackwell Publishers.
- Weinreich U. and W. Labov and M. Herzog. (1968). *Empirical Foundations for a Theory of Change, Directions for Historical Language Linguistics: A Symposium*. By Winfred Lehmann and Malkiel, Austin. University of Texas: Yakov Press.